هذا الرسالة المسمى بسم الله الرحمن الرحیم بتحفة الاخیار

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر
خلقه محمد وآله الطاهرین اما بعد بدانکه این مختصر
در بیان مسائل مهمه طهارت وصلوة که بنده
خاطی بی بضاعت محمد حسن بن محمد زمان از
رسائل افضل فضلاء الزمان واعلم علماء الدوران
نتیجة علماء الاعلام حجة الاسلام نائب الامام
مروج شریعة النبویة کاشف علوم الدینیة صاحب
المناقب والمفاخر العلم الظاهر جناب آقا شیخ محمد طاهر
سلمه الله تعالی من الآلام والاسقام منتخب نموده
ودر نظر فیض منظر کیمیا اثر القبله گاه رسانیده

وآنجناب

وآنجناب روحی فداه اذن در عمل بمسائل آن فرموده
ومسمی گردانیدیم آنرا بتحفة الاخیار وعسی الله
ان یغفر لنا ولوالدینا بمحمد وآله الابرار وآن مشتمل است
بر چند باب وخاتمه باب اول در مقدمات نماز بدانکه
مقدمات نماز شش است اول طهارت وآن بر سه
قسم است وضو وغسل وتیمم اما وضو دو شستن است
ودو مسح اما دو شستن پس اول شستن روی است
وحد آن از رستنگاه موی سر است تا آخر زنخ وبحسب
عرض آنچه فرا گیرد انگشت ابهام ووسطی ولازم است
شستن چیزی از آنچه بیرون است از حد مذکور من باب
المقدمة وواجب است بنا بر احوط اگر نباشد اقوی آنکه
ابتدا شستن از اعلای وجه باشد وآنکه از بالا

کوفته و بپایین سر ازیر بشوید و لکن شستن دویم
شستن دستها است پس واجب است شستن
آنها از مرفق و بنا بر احوط بلکه اقوی لازم است شستن
خود مرفق و قدری از عضد و اینجا بشوید من باب المقدمه
و حکم اقطع اعلا در ید مثل رواست و اما دو مسح یکی
مسح سر است پس واجب است مسح چیزی از پیش
سر و احوط مسح بقدر عرض سه انگشت است و اما
مسح دویم مسح قدمین است و واجب است
مسح کردن ظاهر آنها از سر انگشتان تا برآمده که
روی پا و احوط مسح است تا مفصل ساق و مسح
باید بباطن دست و برطوبت وضو باشد و شرایط
وضو چند چیز است اول و دویم پاک و مطلق بودن

آب سیم مباح بودن آب چهارم مستعمل نبودن
آب در رفع خبث بنا بر معروف و احوط اگر باشد
اقوی پنجم پاک بودن محل وضو است ششم باید در
محل وضو مانعی نباشد هفتم باید مکان ریختن
آب وضو و محل نشستن وضو گیرنده مباح باشد
هشتم ترتیب بنحوی که گذشت نهم موالات دهم
مباشرت یازدهم نیت و کافی است در آن اینکه نزد
ابتدا آن شستن در دل قصد کند اینکه وضو میگیرم
قربة الی الله مسئله هر گاه یقین بطهارت داشته
باشد و شک کند در حدث التفات بآن شک نمیکند
و هر گاه یقین داشته باشد که در زمان سابق محدث
بوده و شک کند که طهارت بعمل آورده ام یا نه واجب است

کر طهارت بعمل اورد وهرگاه شک کند در فعلی از افعال
ان پیش از فراغ باین مشکوک فیه را بعمل اورد بامراعات
ترتیب وموالات وشک کثیر الشک وشک بعد از فراغ
اعتبار ندارد واما غسل [illegible] است غسل
ارتماسی وغسل ترتیبی اما غسل ارتماسی انست که فی آن
[illegible] تمام بدن اورا
فرو گیرد واما ترتیبی پس واجبست [illegible] نجاست اول
وکافیست [illegible] انکه مقارن
اول غسل قصد بکند که غسل جنابت میکنم قربة الی الله
دویم شستن سر [illegible] سیم شستن طرف
راست بدن چهارم شستن طرف چپ است و
[illegible]
احوط شستن ناف وذکر وخصیتین است با هر دو طرف

پنجم ترتیب چنانچه گفته شد لکن بنا بر احوط نسبت بترتیب
ما بین یمین ویسار وشروطی که از برای وضو گفته شد
در غسل نیز هست بغیر از موالات مسئله بدانکه
حکم شک در آن نیز مثل وضو است که اگر شک در
افعالی که در وضو مذکور شد بعد از دخول در
فعل لاحق شک در سابق [illegible] شک میکند
ودر غسل مسئله [illegible] شده اند بعدم
عدم اعتنا [illegible] لکن احوط اگر [illegible] اعتنا بانست
واما تیمم پس کیفیت [illegible] باطن دو دست
بام بر زمین در حالیکه هر دو [illegible] باشد وواجب
مسح پیشانی از رستنگاه موی سر تا بطرف بالای دماغ
واحوط علاوه نمودن دو طرف پیشانی وابروها است

ودهم چنین واجب است مسح کردن پشت دست راست بکف
دست چپ وبعد مسح کردن پشت دست چپ بکف
دست راست ومسح یدین میباید از بند دست باشد
تا بر انکشتان وواجب است که از خارج حدود اعضای
تیمم چیزی زیادتر مسح نماید من باب المقدمه تا یقین
بمسح قدر واجب بکند واحوط در کرفتن تیمم اینست که بعد از
نیت یکضربه باهم دستها را بزنند بر زمین از برای مسح
روی ودستها ویکضربه دیکر از برای دستها تنها
واین احتیاط در بدل از وضو یا غسل کفایت میکند
وچند چیز در تیمم واجب است اول نیت وکافی است
اینکه قصد کند تیمم میکنم بدل از وضو یا غسل بجهة مباح
بودن نماز قربة الی الله دویم مباشرت سیم موالات

چهارم

چهارم ابتدا باعلا در روی ودستها بنابر احوط اگر
نباشد اقوی پنجم وششم رفع مانع در ماسح وممسوح
وپاک بودن هر دو بنابر احوط هفتم پاک بودن چیزی
که بان تیمم میکند هشتم مباح بودن ان ومباح
بودن مکان ان نهم خالص بودن انچه تیمم بان میشود
دهم انکه قبل از دخول وقت اورا بجا نیاورد بلکه در
وسعت وقت نیز با امید زوال عذر بنابر احوط
بلکه اقوی بلکه با علم امید نیز بنابر احوط مسئله
در چیزهائیست که بان تیمم میشود وان مطلق روی
زمین است چه خاک باشد وچه غیر ان از ریک
بنابر قولی واحوط اگر نباشد اقوی تقدیم تراب
خالص است بر غیر ان وهر گاه اینها را نباشد تیمم

میکند بغبار جامه و غیر آن و احوط اگر نباشد اقوی
اولا باید بقوت دست بزنند تا غبار ظاهر شود
بعد تیمم بکند و اگر نباشد بگل اگر بتواند خشک کند
او را باید خشکاند و اگر نباید غیر برف را احوط
آنست که تیمم بان بکند و وضو هم بان بگیرد و بعد قضا
کند دویم از مقدمات ازاله نجاست از لباس و
بدن و موی و ناخن و عفو است در مصلی خون
جروح و قروح تا برء حاصل شود و خون کمتر از
درهم بغیر از خون حیض و نفاس و استحاضه بلکه
غیر خون نجس العین و غیر ماکول اللحم غیر انسان
بنا بر احوط و مقدار درهم احوط تحدید است بعقد
اعلای سبابه و نجاست چیزی که بان نماز تمام نمیشود

مانند

مانند تکه و جوراب و کلاه عفو است و اگر در غیر
محل باشد احتیاط دارد سوم قبله شناختن خواه
علم از ملاحظه محرابهای مساجد حاصل بشود یا از
قبور مسلمین یا از غیر اینها مانند ستاره جدی
چهارم وقت شناختن و وقت نماز ظهر بعد از
زوال شمس است و هر گاه گذشت مقدار ادای نماز
عصر از آخر وقت مختص است بنماز عصر و ما بین مشترکست
و وقت نماز مغرب در اول مغرب مختص است بنماز
مغرب و هر گاه گذشت مقدار نماز مغرب شریک
میشود با نماز عشا و وقت مختص نماز عشا است
که باقی بماند تا نصف شب مقدار جا آوردن نماز
عشا و ما بین مشترکست و این از برای مختار است

ووقت نماز صبح طلوع فجر صادق است تا طلوع شمس
پنجم ستر عورت هرچند ناظری نباشد وعورت
مرد دبر وقضیب وانثیین است واحوط ستر ما بین
قضیب وانثیین است واحوط از ان ستر است
از ناف تا بزانو بلکه تا نصف ساق وعورت زن
جمیع بدنست حتی سر وکردن مکر روی ودستها
تا زندین وقدمین تا ساقین ظاهر وباطن انها
واحوط ستر باطن انها است وستر جمیع بدن غیر از
موضع سجود ومعتبر است در لباس مصلی چند چیز
اول پاک بودن ان چنانچه کذشت دویم مباح بودن
ان سیم انکه حریر محض نباشد از برای مرد وطلا باف
نباشد واز برای زن عیب ندارد چهارم میباید از

جلد

جلد غیر ماکول اللحم نباشد بلی اجزاء ظاهره انسان
مثل مو وناخن واب دهن اکر با مصلی باشد ضرر
ندارد پنجم هرکاه لباس مصلی از جلد حیوانی باشد که
نفس سائله داشته باشد باید حیوان مذکی باشد
ششم مکان نماز غصبی نباشد مسئله احوط انست
که زن ومرد اکر بدون حایل محاذی همدیکر نماز کردند
باطل است یا باید حایل باشد ما بین ایشان یا مسافت
ده ذراع مسئله معتبر است در محل پیشانی مصلی
طهارت ودر غیر ان معتبر نیست اکر تعدی نکند
نجاست بلباس یا بدن مصلی **باب دویم** در واجبات
نماز بدانکه واجبات نماز هشت است اول نیت که ترک
ان عمدا او سهوا مبطل است وکافیست اینکه نیت

بکند که نماز ظهر مثلاً بجا میاورم قربةً الی الله دویم تکبیرة
الاحرام وان رکن است که ترک آن عمداً وسهواً مبطل است
وصورت تکبیر الله اکبر است سیم قیام وان رکن است
در دو موضع یکی در تکبیرة الاحرام ویکی قیام متصل
برکوع وان قیامی است که از آن برکوع میرود پس کسیکه
اخلال کند بقیام در این دو موضع عمداً یا سهواً نماز
او باطلست و واجب غیر رکن است در حال قراءت
وبعد از رکوع که باطل نمیشود نماز باخلال بآن عمداً
نه سهواً و واجب است قیام بهر دو یا در حال اختیار
یا در بعض آن وهرگاه متعذر شود در تمام جمیع احوال نماز باید نشسته
نماز کند واگر متعذر شود از نشستن نماز میکند به
پهلوی راست مثل میت در قبر واگر از آن نیز متعذر

شود

شود به پهلوی چپ نماز میکند وباید رو بقبله باشد
واگر از آن هم متعذر شود نماز میکند در حالتیکه بپشت
خوابیده باشد مثل محتضر چهارم قراءت حمد ویک سوره
کامله بنا بر مشهور واحوط در رکعت اولی وثانیه
وواجبست بر مردان جهر کردن بقراءت در نماز صبح
ومغرب وعشا و واجب است برایشان اخفات کردن برایشان وهم چنین بنا بر احوط
در دو رکعت اول ظهر وعصر غیر از بسم الله وکسیکه
عالماً عامداً در جای جهر اخفات کند نماز او باطل است
وناسی مطلقاً وجاهل بحکم معذورند و واجب است
قراءت کردن بنحو صحیح واحوط اگر نباشد وجوب تعیین
سوره است در حال جمله مسئله مصلی در دو رکعت
آخر نماز واجب چهار رکعتی ورکعت سیم نماز مغرب

و بر زنان جهر واجب نیست
زنان در

مخیر است میان فاتحه و تسبیحات اربع که سُبْحَانَ اللّهِ
وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ باشد
واحوط سه مرتبه خواندن است اگرچه یکمرتبه کافی است
بنابر قول قوی ولازم است اخفات در حمد حتی
در بسمله بنابر احوط و در تسبیحات نیز بنابر احوط
پنجم رکوع وان رکن است ومعتبر است دران چند
چیز اول انحناء بنحوی که دست بزانو برسد وکذا
دست بزانو واجب نیست بلکه مستحب است
دویم آرام گرفتن درحال ذکر واجب واگر ترک کند
از عمداً نه سهواً نماز باطل است وبابقاء محل
احوط اگر نباشد اقوی اعادهٔ ذکر است سیم ذکر
وکافیست دران گفتن سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ

یکمرتبه

یکمرتبه یا سُبْحَانَ اللّهِ سه مرتبه بقصد قربت وگفتن
درحال اختیار مجزی نیست بنابر احوط اگر نباشد اقوی
چهارم سر برداشتن از ان با انتصاب وطمانینه
ششم سجود و واجب است در هر رکعتی دو سجده
وانها با هم رکنند ومعتبر است دران چند چیز اول
گذاشتن هفت موضع است بر زمین یا نحو ان
وان مواضع پیشانی و شکم دستها و زانوها و سر
دو انگشت بزرگ پاها است وبعید نیست تحقق
صدق عرفی سجود بگذاشتن مقدار درهم مجتمع است
و واجب است سجود بر زمین یا کاغذ یا آنچه روییده
میشود از زمین بشرط آنکه ماکول وملبوس نباشد
عادةً وصحیح نیست سجده کردن اختیاراً بر غیر انها

دویم آرام گرفتن در حال ذکر واجب سیم ذکر و کافی است
دران گفتن سُبحانَ رَبّیَ الاَعلیٰ وَبِحَمدِهِ یکمرتبه
یا سُبحانَ اللهِ سه مرتبه بقصد قربة و کمتر در حال
اختیار مجزی نیست بنا بر احوط اگر نباشد اقوی.
چهارم باقی داشتن مساجد سبعه را در محل تا تمام
کردن ذکر واجب پنجم رفع راس است از سجدهٔ اولی
تا آنکه بنشیند معتدلاً مطمئناً ششم آنست که
منحنی نشود بجهة سجود تا آنکه مساوی شود موضع
سجود با محل ایستادن ولکن پستی و بلندی اگر بقدر
یک آجر باشد ضرری ندارد مسئله اگر کسی عاجز
شود از رکوع و یا سجود باید منحنی شود بقدر مقدور
و از برای سجده باید بیشتر منحنی شود و بلند کند

چرا

چیزی را که صحیح است سجده کردن بر آن تا آنکه پیشانی را
بر او گذارد و باید آنچه واجب است بر آن مراعات آن از
ذکر و طمأنینه و نحو آنها حتی وضع باقی مساجد در
محال خود اگر متمکن نشود از انحناء باید ایماء کند
بسر بجهة رکوع و سجود و باید ایماء بسر بجهة سجود
اخفض باشد و اگر از آن نیز متمکن نباشد ایماء می کند
بدو چشم و احوط آنست که جبهه را بجهة سجده بر ما
یصح السجود علیه برساند در حال ایماء بسر هفتم
تشهد و آن واجب است در نماز دو رکعتی یکمرتبه
بعد از رفع راس از سجدهٔ اخیره و در رکعت دویم نماز
سه رکعتی و چهار رکعتی دو مرتبه و کیفیت آن بنا بر احوط
اگر نباشد اقوی اینست اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ

لاشریک له واشهد ان محمداً عبده ورسوله اللهم
صل علی محمد وآل محمد و واجب است در تشهد واجب
استقرار هشتم سلام واقوی آنست که کفایت میکند
یکی از دو صیغه السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ومشهور
عدم وجوب ورحمة الله وبرکاته است واحوط کفتن
هر دو است بقصد قربت با مقدم داشتن اولی واما
السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته پس
واجب نیست بنابر مشهور وقوی اما احوط است
مسئله واجب است ترتیب در افعال نماز واگر مقدم
دارد بعضی را که موخر است یا موخر بدارد آنچه را که مقدم است
عمداً باطل خواهد شد بلکه چنین است در حال سهو

نیز

نیز در ارکان واما اگر مقدم بدارد رکنی را بر غیر رکنی مثل
آنکه رکوع را پیش از قراءت بجا آورد سهواً نماز صحیح است
مسئله واجب است موالات در افعال نماز ولی در پی
بودن آنها بنحوی که صورت نماز محو نشود والا نماز باطل است
مسئله مستحب است قنوت در هر یک از نمازهای
یومیه واحوط عدم ترک آنست واگر فراموش نمود او را
بعد از رکوع او را بجا آورد بنابر قول صحیح واگر بقصد
دعا بخواند اسلم است واگر بخاطرش نیاید مگر آخر نماز
بعد از نماز او را بجا آورد **باب سوم** در مبطلات نماز
بدانکه مبطلات نماز علاوه بر آنچه از سابق معلوم میشود
چند چیز است اول حدث است در هر موضع از نماز
دویم کذاردن یکی از دو دست است بر بالای دیگری

عمداً سوم التفات کردن عمداً بتمام بدنست بجانب
خلف یا بیمین یا یسار بلکه بما بین اینها عمداً اما سهواً
پس در صورت اولی مبطل است بخلاف صورت
ثالثه و در ثانیه احوط اعاده یا قضا است چهارم
تکلم کردن است عمداً پنجم قهقهه است عمداً ششم
عمداً کریه کردن یا صدا است بلکه بی صدا بنا بر احوط
بسبب فوت امر دنیوی هفتم اکل و شرب عمداً و فرو بردن
چیزی که در بن دندانست ضرر ندارد هشتم گفتن
آمین است عمداً بعد از فاتحه بلکه مطلقا بنا بر احوط
و سهواً یا تقیهً مضر نیست دهم زیادتی جزو واجبی
یا نقص آن از اجزاء نماز عمداً در رکن و غیر رکن و سهواً
در رکن حتی در زیادتی تکبیرة الاحرام بنا بر معروف

واحوط

واحوط یازدهم شک در عدد رکعات نماز غیر چهار رکعتی
و در دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی

باب چهارم

در خلل و در آن چند مسئله است اول هرگاه کسی
اخلال کند بجزئی از اجزاء واجبه نماز نمازش باطل است
هر چند حرکت و سکون در کلمات قرائت یا اذکار
واجبه دیگر باشد خواه عالم باشد یا بحکم یا نه بنا بر
معروف و احوط اگر چه اقوی در زیاد و کم غیر رکن
سهواً مبطل نیست لکن اگر فراموش نمود و بخاطرش
آمد پیش از گذشتن از محل لازم است عود کردن
بآن و بجا آوردن آن یا ما بعدش مثل آنکه فراموش کرد
قرائت یا تسبیحات یا بعض آنها را یا اعراب یا قیام
یا طمأنینه یا غیر آنها را از واجبات و متذکر شود پیش

ازانکه برسد بحد رکوع یا آنکه فراموش کند ذکر در رکوع را

یا طمانینه را در حال ذکر و بخاطرش آمد پیش از آنکه

بیرون رود از حد رکوع یا آنکه فراموش کند ذکر

در سجود را یا طمانینه را یا گذاشتن احد مساجد را و

بخاطرش آمد پیش از آنکه خارج شود از مسمای سجود

یا آنکه فراموش کند سجدهٔ دویم را پیش از رسیدن

بحد رکوع یا پیش از سلام یا آنکه فراموش کرده باشد

تشهد یا بعض آنرا یا اعراب یا طمانینه در آنرا و بخاطرش

آمد پیش از رسیدن بحد رکوع یا پیش از سلام در

تشهد آخر یا آنکه فراموش کند سلام را و بخاطرش

آمد پیش از چیزی که مبطل نماز است عمداً و سهواً

واجب است آنچه را که فراموش کرده بعمل آورد با ما بعد آن

واگر

واگر عمل نیاورد عمداً نماز باطل است و اگر بخاطرش نیامد

آنچه را که فراموش نموده مگر بعد از محل واجب نیست

تدارک آن و نماز صحیح است مگر سجده و تشهد و بعض

آن بنابر احوط در آخر که آنها را بعد از نماز باید قضا کند

مسئلهٔ دویم هرگاه رکعت آخر را فراموش کرد و بعد از

تشهد و پیش از سلام بخاطرش آمد برمیخیزد و آنرا بجا

میاورد و اگر بعد از سلام پیش از منافی عمدی و سهوی

بخاطرش آمد نیز برمیخیزد و آن رکعت را بجا میاورد

و اگر بعد از منافی بخاطرش آمد نماز را اعاده کند

مسئلهٔ سوم اگر یک رکعت پیش از سلام دادن زیاد

نماید نماز باطل است خواه بعد از تشهد یا قبل از آن

باشد بنابر معروف و احوط باب پنجم در شک

و دران چند مسئله است اوّل اگر کسی در خارج وقت
شک کند که نماز را بجا آورده ام یا نه اعتبار ندارد و در
وقت بجا میاورد دوّم شک بعد از فراغ اعتبار ندارد
سوّم اعتبار شک کثیر الشک نیست بلکه باید بنا گذارد
بر وقوع مشکوک فیه بنا بر احوط اگر بناشد اقوی مگر
در جائی که مبطل باشد که در اینجا بنا را بر صحت میگذارد
چهارم شک در فعلی از افعال نماز بعد از دخول
در فعل دیگر اعتبار ندارد چه فعل دیگر واجب
باشد یا مندوب پس اگر شک بکند در فاتحه بعد از
دخول در سوره یا شک کند در اوّل سوره با دخول
در آخر آن یا آنکه شک کند در آیه با دخول در آیه دیگر
اعتبار ندارد بنا بر قولی قوی و احوط در غیر صورت

اولی

اولی بلکه مطلقا اعاده نماز است یا آنکه مشکوک را
بقصد قربت اعاده نماید اگر موالات بهم نخورد پنجم
شک در عدد رکعتهای نماز واجب دو رکعتی و سه رکعتی
و در نماز چهار رکعتی است پیش از اتمام دو رکعت
و آن موجب فساد نماز است و امّا اگر شک واقع
شود بعد از اتمام دو رکعت از نماز چهار رکعتی که
آن بنا بر مشهور و قوی بعد از برداشتن سر از سجده
دوّیم در رکعت دوّیم است بنا دارد و اینها نه صورتند
اوّل شک میان دو و سه بعد از اکمال سجدتین
بنا را بر سه میگذارد و بعد رکعت چهارم را بجا میاورد
و نماز را تمام میکند و بعد یک رکعت نماز احتیاط ایستاده
یا دو رکعت نشسته بجا میاورد و اوّلی احوط است

دویم شک میان سه و چهار است در هر موضع که باشد
بنا را بر چهار میگذارد و نماز را تمام میکند و بعد
یکرکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته
بجا میاورد و احوط ثانی است سیم شک میان دو
و چهار است بعد از اکمال بنا را بر چهار میگذارد و
تمام میکند نماز را و بعد دو رکعت احتیاط ایستاده
بجا میاورد چهارم شک میان دو و سه و چهار است
بعد از اکمال بنا را بر چهار میگذارد و تمام میکند
نماز را بعد دو رکعت احتیاط ایستاده و بعد از آن
دو رکعت نشسته بجا اورد پنجم شک میان چهار
و پنج است بعد از اکمال بنا را بر چهار میگذارد و تشهد
و سلام میگوید بعد دو سجده سهو بجا میاورد

ششم

ششم شک میان چهار و پنج است در حال قیام
انرا منهدم ساخته بنشیند شک او بر میگردد میان
سه و چهار عمل انرا بجا آورد و احوط اینست که
دو سجده سهو بجهة قیام زیاد بکند بلکه بجهة
بحول الله زیاد نیز و همچنین در شکوک اینده که در
انها هدم قیام میشود چنانکه احوط اعاده نماز است
در اینصورت و سه صورت اینده هفتم شک
میان سه و پنج است در حال قیام خراب میکند
انرا و شکش بر میگردد میان دو و چهار عمل انرا بجا
اورد هشتم شک میان سه و چهار و پنج در حال
قیام انرا منهدم ساخته مینشیند شکش بر میگردد
میان دو و سه و چهار عمل انرا بجا میاورد نهم شک

میان پنج وشش است درحال قیام منهدم سازد انرا
وبنشیند شکش برمیگردد میان چهار وپنج عمل
ازا بجا میاورد مسئله بدانکه در هر صورتی که شک
بعد از اکمال معتبر است هرگاه انشک حاصل بود
بعد از فراغ از ذکر واجب وپیش از بر داشتن سر
از سجده ثانیه احوط انست که عمل انشک را بجا باورد
واعادهٔ نماز نماید مسئله بدانکه شک عبارت
از مساوی بودن دو احتمال است در ذهن واگر
یکی از انها راجح شد انرا ظن مینامند مسئله بدانکه
نماز احتیاط واجب است پس جایز نیست اینکه ترک
کند انرا ونماز را از سر گیرد واحوط اینست که اورا
بلا فاصله وبدون منافی بین او وبین نماز بجا آورد

دو واجب

دو واجب است در او نیت وتکبیرة الاحرام وقراءة فاتحه
بتنها آهسته ودرکوع وسجود وتشهد وسلام مسئله
هرگاه شک در رکعات نماز نماید وبنای عمل را بر
نحو مذکور در احکام شکوک گذارد مثل انکه شک
بکند میان سه وچهار وبنا را بر چهار گذاشت
بعد متذکر شد که همان چهار است که بنا را بر او
گذاشته پس اگر در اثناء نماز باشد تمام میکند انرا
وعمل شک از او ساقط است وهم چنین هرگاه قبل
ازبجا اوردن عمل شک باشد واگر در اثناء عمل شک
باشد مثل انکه در بین دو رکعت احتیاط بخاطرش
آمد که نمازش تمام بوده اگر انرا قطع کند اصل نمازش
صحیح است واحوط انست که انرا بر نیت نماز سنت

تمام کند و اگر در بین یک رکعت ایستاده است احوط آنست
که رکعت دیگر برا او اضافه کند و اگر ما بین دو نماز احتیاط
باشد باقی را تمام کند مسئلة واجب میشود سجود سهو
از برای کلام زیاد سهواً اگرچه بگمان بیرون رفتن از
نماز باشد و سلام در غیر محل و شک ما بین چهار و پنج
بعد از سجدتین و همچنین از برای هر زیاد و کمی که در
محل آن ملتفت نشده که تدارک آن نماید بنا بر احوط
و بجهة فراموشی سجده یا تشهد و همچنین است بعض
بخصوص صلوات بنا بر احوط فاحوط اگر بنا باشد
اقوی تعدد سجود سهو است بتعدد اسباب ولو از
یک جنس باشند مانند سلام و اگر یکدفعه سلام از او
صادر شد دو سجده سهو بجا میاورد اگرچه بجمیع

صنع

صنع آن اتیان کند بنا بر قول قوی و احوط اینست که
بجهة هر سلامی دو سجده بجا آورد و بجهة مطلق سلام
نیز دو سجده و اگر دو مرتبه تکلم کند سهواً مثلاً اول
کلام از او صادر شد پس از تذکر دوباره سهو نمود
و تکلم کرد دو مرتبه دو سجده سهو میکند مسئلة
احوط اگر ترتیب در سجود سهو است بترتیب اسباب آن
مسئلة بدانکه سجود سهو موخر است مطلقا بنا بر قولی
از اجزاء منسیه مانند تشهد و سجده فراموش شده
و از رکعات احتیاط نیز و قول بتخییر ما بین رکعات
احتیاط و اجزاء منسیه بعید نیست و احوط تکرار
یکی از آنها است مسئلة واجب است بنا بر احوط
قضاء سجده فراموش شده و تشهد و کافی است اینکه

نیت بکند که ایشان میشمارم بسجده شک عوض سجده فراموش
شده مسئله جایز نیست تأخیر سجود سهو از مکرب
فصل رکعات احتیاط و اجزاء منسیه و اگر تاخیر انداخت
عصیان نموده و نماز او صحیح است بنا بر اقرب
و ساقط نمیشود از او بلکه لازم است ایشان بآن باز
و تعجیل در آن بنا بر احوط مسئله بدانکه واجب است
در او نیت در اول تمامی سجود و کافی است اینکه
~~بگوید که دو سجده سهو بجا میاورم بجهت تشهد فراموش~~
~~شده شک قربة الی الله و واجب نیست در او تکبیر~~
~~اما احوط است هم چنانکه احوط است اتیان جمیع~~
~~چیزهایی که در سجود نماز واجب است از طهارت~~
~~از حدث و خبث و ستر و استقبال قبله و غیر اینها~~

بخند

نیت کند که دو سجده سهو میکنم بعلت آن سبب قربة
الی الله و واجب نیست در او تکبیر اما احوط است
لکن بسجده میرود بنحو سجده نماز حتی در شرایط و موانع
علی الاحوط مگر در ذکر و واجب است راست نشستن
با اطمینان ما بین دو سجده و کافی است در ذکر آن
که واجب نیست بنا بر احوط اگر نباشد
اقوی در آن گفتن بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ یا بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یا بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّی اللهُ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و واجب است بعد از رفع راس از
سجده دویم تشهد و سلام بنا بر اقوی و کافی است
اینکه بگوید بعد نیت قربة اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ

لا شريك له واشهد ان محمداً عبده ورسوله اللهم
صلّ على محمد وآل محمد السلام عليكم ورحمة الله
وبركاته **خاتمه** در نماز آيات ودران چند مسئله است
مسئله اول در سبب وجوب انست وان كسوف شمس
وخسوف قمر است كلاً يا بعضاً وزلزله وساير اياتى كه
مخوف غالب ناس باشند مسئله دويم وقت نماز كسوف
وخسوف از اول گرفتن است واخران تمام انجلا است
بنابر اقرب واحوط جا آوردن انست پيش از شروع
با نجلا وهم چنين بنابر احوط هر آيتى كه زمان ان طول
بكشد بقدر بجا آوردن نماز واجب است مادام العمر
فوراً ففوراً بنابر احوط مسئله سيم واجب است نماز آيات
بر كسانيكه ايه در بلد ايشان روبدهد يا نزديكى بلد

ايشه

ايشان بحيثيتى كه عرفاً يكى شمرده شود بنابر احوط مسئله چهارم
هرگاه جمع شود زمان آيات با وقت فرايض مخير است
در تقديم هر يك با وسعت وقت هر دو واگر وقت يكى
مضيق باشد انرا مقدم دارد مسئله پنجم در كيفيت ان
وان دو ركعت است در هر ركعتى پنج ركوع ومجزيست
جا آوردن بايى تفصيل كه اولاً نيت ميكند كه نماز خسوف را
مثلاً بجا مياورم قربةً الى الله وبلا فاصله تكبيرة الاحرام
ميگويد وبعد حمد وسوره ميخواند وبعد تكبير ميگويد
با رفع يدين استحباباً بنابر مشهور واقرب وبعد بركوع
رود وبعد از ركوع تكبير ميگويد با رفع يدين مستحباً
وحمد وسوره ميخواند وتكبير ميگويد با رفع يدين
مستحباً بنابر مشهور وقنوت ميخواند مستحباً وبعد از

قنوت برکوع میرود مثل رکعت اول و در رکعت سیم و چهارم را
بهمین کیفیت نیز بجا آورد با قنوت پیش از رکوع چهارم
مستحبا و در رکوع پنجم نیز بهمین کیفیت است الا انکه
عوض تکبیر بعد از رکوع سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه میگوید
و تکبیر میگوید و بسجده میرود و سجده تین را بجا
میاورد و بعد بر میخیزد و حمد و سوره میخواند و تکبیر
میگوید بجهة قنوت و قنوت میخواند و تکبیر میگوید بجهة
رکوع و برکوع میرود و سر از رکوع بر میدارد و تکبیر
میگوید و چهار رکوع دیگر بجا میاورد بهمین کیفیت
که پیش از هر رکوعی حمد و سوره میخواند و پیش از رکوع
سیم و پنجم قنوت میخواند و بعد از هر رکوعی تکبیر میگوید
مگر بعد از رکوع پنجم که سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه میگوید و بسجود

میرود

میرود و نماز را تمام میکند مسئله ششم بدانکه این تکبیرات
که مذکور شد بغیر از تکبیرة الاحرام واجب نیستند
مگر تکبیر رکوع که در او فی الجمله احتیاطی است و رفع
یدین در همه تکبیرات حتی در تکبیرة الاحرام مستحب است
بنابر مشهور و قوی و هم چنین قنوتات مسئله هفتم
جایز است که در پنج رکوع اول اکتفا بحمدی و سوره
کرد باین نحو که در رکوع اول حمدی و یک آیه از اول سوره
میخواند مثلا و در باقی رکوعات در هر رکوعی بعضی
از این سوره را تا تمام شود سوره بهمین پنج رکوع و حمد
دیگر نمیخواند و در پنج رکوع رکعت دویم نیز میتواند
حمد و سوره میخواند بهمین کیفیت مسئله هشتم شک
در رکوعات این بنارا بر اقل میگذارد و بنابر قول قوی

مگر در صورتی که برگردد بشک در رکعتین مثل شک
مابین رکوع پنجم و ششم که در اینجا نماز باطل است
بنابر مشهور و قوی مسئلهٔ نهم مستحب است در این
صلوة جماعت ادا باشد یا قضا و ماموم قراءت
نمیخواند لکن هر سایر افعال و اقوال را بجا میاورد

تمت

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل محمد طاهر عوض

بالهبة الشرعية من الملا

وهو من [illegible] جهة

ابنه من جهة الصحيف